

صدور انقلاب از منظر سازه‌انگاری

(ملاحظه‌ای بر راهبرد صدور انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و انقلاب اسلامی ایران)

ابراهیم متقی، علی محمد حاضریم، محسن سراج، محمدطهماسبی برنا

۱۴

دوره ۷، شماره ۲، پیاپی ۱۴
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۱۱/۱۳

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۹/۲۰

صص: ۵۸-۳۳

شاپا چاپی: ۲۵۳۸-۵۶۴X

شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۵۵۱



چکیده

مسئله اصلی در این پژوهش بررسی هویت متمایز دو انقلاب اکتبر روسیه و انقلاب اسلامی و تاثیر آن در اتخاذ راهبردهای متفاوت در صدور انقلاب به عنوان پیامد بیرونی در عرصه بین‌المللی دو انقلاب می‌باشد. در این مقاله تلاش شده تا با استفاده از نظریه سازه‌انگاری و با تکیه بر مفاهیمی چون هویت و بررسی روند بساخت آن و همچنین توجه به ماهیت ویژه ساختارهای سیاسی، بسترهای فرهنگی و اجتماعی متمایز دو انقلاب اکتبر روسیه و انقلاب اسلامی، تاثیر کنش‌های انقلابی در زمینه صدور انقلاب را مورد بررسی قرار دهد. در انقلاب روسیه نوعی فرجام‌گرایی براساس آموزه‌های مارکسیستی باعث گردید تا راهبرد صدور انقلاب با توجه به شرایط انقلاب روسیه به عنوان ضامن بقای انقلاب اکتبر با اولویت‌بخشی به مفهوم عمل انقلابی تعبیر شود، ولی در انقلاب اسلامی راهبرد صدور انقلاب به عنوان یک اصل تکلیف‌محور و با تقدم‌بخشی آگاهی بر عمل انقلابی شکل‌بندی می‌گردد. پژوهش حاضر پیامدهای این تمایز را در به کارگیری ابزارها و روش‌ها و جایگاه صدور انقلاب در یک روند مقایسه‌ای و براساس نظریه سازه‌انگاره نشان می‌دهد. در روند گردآوری اطلاعات در این پژوهش از روش اسنادی استفاده شده است. نوع پژوهش مقایسه‌ای می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، انقلاب اکتبر، سازه‌انگاری، صدور انقلاب، هویت.

DOI: 10.22080/jpir.2024.26537.1365

emottaghi@ut.ac.ir

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۲. استاد دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۳. دانشجوی دانشیار پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

۴. دانشجوی دکترای تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

۱. مقدمه

انقلاب‌ها عمیقترین دگرگونی‌ها در عرصه‌های مختلف را به وجود می‌آورند، این دگرگونی با تحولاتی کیفیتی در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی همراه می‌گردد. انقلاب باعث تاکید، بازتعریف بسیاری از انگاره‌ها، ایده‌ها، باورها و ارزش‌ها می‌گردد. انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه با توجه به ماهیت مارکسیستی، تلاش داشته است که مفاهیم و ساختار به وجود آمده ناشی از انقلاب، را نه تنها در کشور خود، بلکه به عنوان مسیر ایده‌آل و اجتناب‌ناپذیر و حتمی در جوامع بشری به دیگر جوامع نشان دهد. انقلاب شوروی با تمرکز بر روی یک آینده دقیق، یعنی نابودی رژیم منفور و بر روی یک آینده نامعین، یعنی جامعه ایده‌آل، می‌توانست متنوع‌ترین و غنی‌ترین امیدها را شکوفا نماید. رسالت جهان تاریخی پرولتاریا دقیقاً در این واقعیت جلوه‌گر می‌شود که تحقق منافع طبقاتی رهایی‌اجتماعی نوع بشر را به همراه خواهد داشت. ایدئولوژی مارکسیسم این مبارزه را در عمل و در جهان واقعی دنبال می‌کرد و همین امر این آموزه‌ها را از سایر مکاتب مشابه جدا می‌کرد. از طرف دیگر انقلاب اسلامی ایران که در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید و دارای شاخصه‌ها و ماهیت‌اسلامی بود حرکت و مسیر طی شده خود را به عنوان نمونه‌ای مطلوب می‌دانست و همواره تلاش می‌نمود مسیر طی شده و اهداف انقلاب خود را به گوش جهانیان برساند. با پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست خارجی ایران مبتنی است بر اینکه خود را رهبر انقلاب اسلامی در جهان به شمار آورده و با توسل به نوعی اتحاد نه تنها سعی در هماهنگی و اتصال جوامع به یکدیگر، بلکه برای هدف نهایی یعنی اسلامی کردن تمام جهان در نگاه کلان و احیای اسلام می‌کوشد. با توجه به این آرمان تعریف شده و با توجه به برداشت‌ها و انگاره هویتی متمایز نوعی صدور تبلیغی را به صورت نرم‌افزاری در درون خود دارد.

پرسش اصلی این است که با توجه به تمایزات هویتی بین دو انقلاب راهبرد صدور انقلاب چه تحولی را در عرصه نظریه و عمل در دو انقلاب تجربه کرده و انگاره‌های هویتی متمایز چه تاثیری در تثویز راهبردهای صدور دو انقلاب داشته است؟ با توجه به تفاوت‌های هویتی در اصل دو انقلاب، ایدئولوژی مارکسیستی با اهمیت دادن به بسترهای مادی و این جهانی، نوعی ضرورت و در مرحله بعد به کارگیری تمامی راه‌ها و روش‌ها در انجام صدور انقلاب برای

بقای اصل انقلابی خود را مورد تاکید قرار داده بود و به معنای دیگر صدور انقلاب با محوریت عمل انقلابی در خدمت انقلاب قرار گرفته است. این روند در انقلاب اسلامی با توجه به ماهیتی اسلامی و اصل قرار گرفتن رویکرد تکلیف‌گرایانه و اولویت نداشتن بسترهای مادی و عوامل این دنیایی در محوریت صدور انقلاب و تقدم آگاهی انقلابی بر عمل انقلابی و تمایز در روش صدور شکل‌بندی نهایی گردید، به عبارتی انقلاب در خدمت صدور انقلاب قرار می‌گیرد.

۲. پیشینه، ضرورت، حدود زمانی و مکانی پژوهش:

با عنایت به بررسی پژوهش‌های انجام شده، نظریه سازه‌انگاری و یک بررسی تطبیقی بین دو انقلاب در حوزه حساس و بحث برانگیزی مانند صدور انقلاب به نظر می‌رسد به صورت جزیره‌هایی هستند دور از هم. نگارنده در تلاش است بحث صدور انقلاب را به صورت مقایسه‌ای بین دو انقلاب تاثیرگذار و با ادعای جهانی بودن در یک بستر نظریه‌ای به صورت مقایسه‌ای و با محوریت قرار دادن عنصر هویت مورد بررسی قرار دهد. در این مجال با توجه به کارهای اندکی که به صورت ویژه به این عرصه ورود کرده‌اند به معرفی اجمالی آثاری در این حوزه خواهیم پرداخت. بررسی مفهوم هویت و تاثیر آن در راهبرد متمایز صدور دو انقلاب به عنوان بداعت تحقیق به شمار می‌رود.

نویسندگان - روش استفاده شده	عنوان اثر	مهم‌ترین یافته‌ها
متقی، کاظمی، حجت (۱۳۸۶)	سازه‌انگاری، هویت زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی	تبیین سیاست خارجی بر اساس نظریه سازه‌انگاری
فاضلی، کریمی (۱۴۰۲) - گفتاری اسکینر	ردیابی نگرش رهبران مارکسیست به مساله ملت، ملی‌گرایی و جهان‌وطنی	استفاده ابزاری از مفهوم ملی‌گرایی و وجود تناقض در نگرش بنیان مارکسیسم
هراتی، موسعلی (۱۳۹۳) - مطالعه تطبیقی	مطالعه تطبیقی الگوی صدور انقلاب در ایران و روسیه	تفاوت در روش‌ها و ابزارهای صدور انقلاب در انقلاب اکتبر و انقلاب اسلامی

خلیلی (۱۳۹۰)- روش مقایسه‌ای - تطبیقی	بررسی مفهوم صدور انقلاب در انقلاب فرانسه و انقلاب روسیه- بررسی مشابهات و تفاوت‌ها	الزام به صدور حتمی انقلاب - تفاوت در ماهیت و روش‌ها و تفاوت ماهوی
میرحسینی، احسان خادمی بهابادی، ۱۴۰۱	«نقش صدور انقلاب اسلامی در معادلات راهبردی خاورمیانه»	بررسی صدور انقلاب از منظر سازه‌انگاری

۳. مبانی نظری پژوهش

در رویکرد سازه‌انگاران سیاست بین‌المللی مبتنی بر فرایندی رابطه‌ای است که در آن عوامل فکری مانند فرهنگ، ایده‌ها و هنجارها نقش اصلی را دارند. از نظر سازه‌انگاران مهمترین مباحث در روابط بین‌الملل یعنی ساختار و کارگزار به شکل متقابل و مستمر در حال اثرگیری و اثربخشی متقابل می‌باشند. سازه‌انگاری بر این باور است که هویت‌ها، بالقوه بخشی از قواعد قوام‌دهنده دولت‌ها هستند و نتیجتاً کنش‌های آنها را در داخل و خارج سبب می‌شوند. به عبارتی شناخت هر بازیگری از خود و دیگری، رفتار بین‌المللی آن را شکل می‌دهد. تعامل بین شناخت و کنش و نقش آن دو در تصحیح و تنظیم همدیگر به صورت واضح و نظامند برای سازه‌انگاران بسیار مهم می‌باشد. از آنجا که هویت‌ها، منافع و کنش بازیگران را شکل می‌دهند فهم و تلقی درست از آنها برای تحلیل سیاست خارجی و رفتار بین‌المللی بازیگران فوق‌العاده حیاتی است. هویت به معنی فهم‌های نسبتاً ثابت و متبیین بر نقشی خاص از خود و دیگری است. بنابراین امری رابطه‌ای است (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۸۲) کنش‌گران در قبال خود و دیگران تفسیر می‌کنند، تصمیم می‌گیرند، اعلام می‌کنند و در نهایت اجرا می‌کنند و این کارها را بر اساس درک خود از جهان انجام می‌دهند.

مارتین گریفیس سازه‌انگاری را رویکردی برای بررسی روابط بین‌الملل می‌داند که هنگام تبیین رفتار کنشگران بر اولویت متغیرهای غیرمادی و به طور مشخص هنجارها، فرهنگ، باورها، هویت و اندیشه تاکید دارد (گریفیس، ۱۳۸۸: ۲۰۴) سازه‌انگاران اساساً کانون بحث را از معرفت‌شناسی به هستی‌شناسی منتقل کرده‌اند و شعار اصلی خود را در " توجه به ایده‌ها و انگاره‌ها " قرار داده‌اند (Honghton.2007:26) تصور از خود و از دیگران و تعریفی که از

هویت خود ارائه می‌کنند در نظام‌های سیاسی پیامدهای متفاوتی را به دنبال دارد. هواداران سازه‌انگاری روندهایی را بررسی می‌کنند که هویت‌ها و منافع کنشگران، از طریق آنها در جریان تعامل اجتماعی مستمر با سایر بازیگران تولید، بازتولید و گاه دگرگون می‌شود. (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۱: ۸) بنابراین سازه‌انگاران با مطرح کردن اهمیت مفاهیمی چون فرهنگ، هویت و قواعد در روابط بین‌الملل دیدگاهی اجتماعی به سیاست‌های جهانی ارائه می‌دهد و بر اهمیت ساختارهای هنجاری و نقش هویت در ساخت منافع و کنش‌ها تاکید می‌کند. ونت بر این باور است ساختار بینذهنی نظام بین‌الملل که بر پایه شناخت مشترک است، نقش بسیار اساسی در ساخت و پرداخت هویت‌ها و منافع دولتها دارد (Wendt.1994:385) در این چارچوب آنها معتقدند که هویت یک کشور با ارجاعات ارزشی به گذشته و آینده شکل می‌گیرد. زیرا دولت‌ها به روایت تاریخ به شکلی خاص، آن را به پشتوانه عملکرد امروز خود قرار می‌دهند. در تحلیل سازه‌انگاران بالاخص در زمینه سیاست خارجی، الگوها و فرم‌های از پیش تعیین شده و در حال تکوین به عوامل تعیین‌کننده سیاست خارجی و عرصه‌های عمومی تبدیل می‌شوند. (آقایی و رسولی، ۱۳۸۸: ۹) این مساله از طریق قرار گرفتن هویت نظام سیاسی در مرکز تحلیل در هر عرصه‌ای از رفتار بیرونی یک نظام سیاسی تحقق می‌یابد. و با این عمل نظریه سازه‌انگاران در سیاست خارجی ممکن می‌شود.

۱،۲. هویت نظام انقلابی

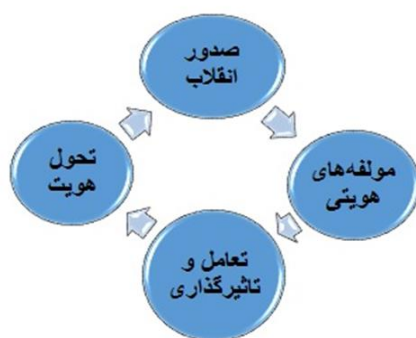
سازه‌گرایان تاکید ویژه‌ای بر عنصر هویت در شکل‌گیری منافع ملی کشورها و ملت‌ها دارند و هویت را پل ارتباطی سیاست داخلی و خارجی کشورها برمی‌شمارند. گریفیس بر این باور است ساخت هویت بنا بر تعاریف و عناصر تاثیرگذار در آن از جمله الگوی قدیمی دولت - ملت بر روی یک عنصر غیریت‌ساز سیال همچون داخل/خارج خود/دیگری نیز بدست می‌آید. دولت‌ها با روایت کردن تاریخ به شیوه‌ای خاص، آن را پشتوانه عملکرد خود می‌دانند. دولت‌ها براساس هویت زمینه‌مند خود، جهان را برای خود می‌سازند و در این تعامل هویت آنها دچار دگرگونی یا (تثبیت بیشتر) می‌شود. دولتها بر این اساس نیازمند هویت یعنی نقشی نسبتاً باثبات، شناخت از خود و انتظارات و توقعاتی که دیگران بر اساس موقعیتی خاص که دولت در آن قرار گرفته و خود را تعریف می‌کنند، هستند. در اینجا دولتها در مقام بازیگران صحنه بین‌المللی تفسیر می‌کنند، تصمیم می‌گیرند، اعلام

می‌کنند و در نهایت اجرا می‌کنند. همه این کارها را در چارچوب درک خود از جهان انجام می‌دهند. لازم به ذکر است که در اینجا منظور از هویت، یک هویت اجتماعی پیکروار است یعنی قسمتی که به پرسش چگونگی شکلگیری آن و منشا هویت دولت می‌پردازد. هویت دولتها محور تعریف آنها از واقعیت و برساختن مسایلی مانند قدرت، منافع ملی، دوست و دشمن، امنیت و در نهایت تصمیم‌گیری و کنش بر اساس آنهاست. کشورها نیز مانند افراد تا حد زیادی زندانیان هویت و دسته‌بندی‌های ارزشی خود از جهان هستند (آدلر، ۱۳۸۴: ۷۹-۷۸) بنابراین هماهنگونه که ونت بر این باور است هویت در نظام سیاسی کشورها بر شیوه‌های روابط خارجی آنها تاثیر می‌گذارد همچنین، رفتار دولتها در سیاست خارجی به نوع فرهنگی بستگی دارد که در خود درونی کرده و دولتها بر پایه نحوه درونی کردن این فرهنگ‌ها در خود، رفتار متفاوتی را در سیاست خارجی بروز می‌دهند (ونت، ۱۳۸۴: ۳۶۹) از جمله مهمترین مبانی هویت یک نظام سیاسی می‌توان به جغرافیا، نژاد و قومیت، تاریخ، ساخت اجتماعی و عوامل ربانی و مذهبی اشاره کرد. طبق نظریه سازه‌انگاران مفاهیم زبانی، ایده‌ها و باورها، انگاره‌ها جغرافیایی و برساخته‌های موجود مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند و ساختاری منسجم و هویت‌مند که ویترونی منسجم و متمایز از یک ساختار است را ارائه می‌دهند. بر همین اساس الکساندر ونت رابطه بین هویت و منافع را به کمک نقش تعریف می‌کنند. نقشهایی که دولتها بر عهده می‌گیرند آنها را به مجموعه اقداماتی فرا می‌خواند که با این نقش هماهنگ هستند. بنابراین سازه‌انگاران هویت را به عنوان متغیر اصلی در شکل‌دهی رفتار کنشگران در عرصه داخلی و بین‌المللی مطرح کرده‌اند. از این منظر هویت یک دولت در بستر تاریخی و فرهنگی و ساختار بین‌الذات معنی می‌یابد. این کیفیت از هویت از نظر سازه‌انگاران هم حامل مایه‌های ثابت و هم پیرایه معناها و اشکال پویاست. در این معنا هویت بازیگران همواره در حال پوست انداختن و بازتعریف است و سخن گفتن از هویتی همیشه ثابت غیرممکن می‌باشد. (ونت، ۱۳۸۴: ۳۲۵) چستی در وضعیت کنونی و تعریف خود در دنیای پیرامونی می‌تواند مهمترین دغدغه سازه‌انگاران در مقوله هویت به شمار رود. سازه‌انگاران فرض را بر این می‌گذارند که خودها یا هویت‌های دولت‌ها متغیر است. این متغیر بودن دوسویه باعث نوعی تعامل بین هنجارهای بین‌المللی و هویت بازیگران می‌شود (marcel.2001. 3-4) تحلیل سازه‌انگاران متوجه تاثیر تاریخ در شکل‌دهی به سیاست خارجی نیز است. آنها احتمالاً به بافت تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بستگی

دارند(هاف، ۱۳۸۶: ۴۵۶) در این چارچوب سازه‌نگاری معتقد است که هویت یک دولت با ارجاعاتی ارزشی به گذشته و آینده شکل می‌گیرد. دولتها با روایت تاریخ به شیوه‌ای خاص آن را پشتوانه‌ای عملکرد امروز خود قرار می‌دهند (porcel.2002 pp147-149)

۱,۳. روش‌های دستیابی به اهداف هویتی

از نظر سازه‌نگارها هویت و منافع و استراتژی دولت را به سه شیوه می‌توان با هم مرتبط ساخت. اولاً بر پایه یک منظومه متشکل از ارزشهای همسو که تولید و بازتعریف شده‌اند. برای نمونه شوروی، ضدیت با جهان سرمایه‌داری و دوماً باورهای خاصی که ناشی از تعریف بازیگر از هویت خود است و برای نظام مورد نظر مجموعه‌ای از اولویت‌ها را شکلبندی می‌کند. ایجاد انقلاب‌های کمونیستی در جهان برای نمونه شوروی از این جنس می‌باشند. ثالثاً هویت‌ها، قواعد و عملکردهای خاصی را در برمی‌گیرند که مشخص می‌سازند کدام روش و وسیله و در کل استراتژی مشروع بوده و در کانون توجه تصمیم‌گیران و اقدام‌کنندگان قرار خواهد گرفت. برداشتهایی که از یک نظام انقلابی با ماهیت کمونیستی انتظار می‌رود در این بخش شکلبندی و متمایز می‌شوند. بنابراین انتظار می‌رود با تعریف یا تغییر هر یک از این برداشتها، نوع، روش و اولیتهای تعریف‌شده نیز به عنوان این پیامد تغییر دچار تغییر و تحول شوند. در عرصه صدور انقلاب که ویت‌ترین بیرونی هر انقلابی به شمار می‌رود تمامی این فرایند برداشتها و پیامدهای رفتاری در یک الگوی مشخص قابل ردیابی هستند. نگارنده در چارچوب مقاله، مدل زیر را در بررسی عوامل تمایز و تفاوت کیفیت صدور انقلاب طراحی نموده و به بررسی آن خواهد پرداخت.



همانطور که در نمودار هم ترسیم شده است، هویت یک نظام سیاسی به عنوان یک متغیر مستقل که بر بسترهای متنوع داخلی و خارجی شکل گرفته است بر کیفیت صدور انقلاب در تمامی عرصه‌ها تاثیر مستقیمی بر جای می‌گذارد. هویت به دلیل تعدد، تمایز و تنوع خود رفتارها و منافع متفاوتی را به دنبال خواهد داشت. در برداشتن هویت مارکسیستی یا هویت اسلامی و تلاش برای صیقل دادن این هویت متمایز نسبت به هویت‌های دیگر باعث بروز کیفیتی متمایز در خروجی این ساختار در عرصه صدور انقلاب خواهد شد. شکلبندی نهایی در ماهیت و کم و کیف مساله صدور انقلاب به مولفه‌های هویتی در ساختار انقلابی و ذهنیت و تعامل انقلابیون به عنوان کنشگران طراز اول با مولفه‌های هویتی در این عرصه بستگی دارد. در ادامه به شاخص‌ترین مولفه‌های هویتی متمایز در انقلاب روسیه و انقلاب اسلامی که چشم انداز مسیر انقلابیون را در مساله صدور انقلاب نقش بارزی ایفا نموده‌اند و ذهنیتی متمایز برای انقلاب روسیه و انقلاب اسلامی به وجود آورده‌اند و در این تعامل موجب چرخشی در اهداف و رسالت اولیه شده‌اند را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱. انگاره هویتی انقلاب شوروی

۱.۱. فرجام گرایی مارکسیستی

مارکسیسم انقلابی بر پایه این تصور استوار است که انقلاب مرحله به مرحله پیشرفت می‌کند (ستانفورد کوهن، ۱۳۸۰). رژیم مارکسیستی_لنینیستی همواره خود را همچون ارگان‌گذار نشان داده است و نه همچون واقعیت پایان پذیرفته تاریخ. این تصور بر تمامی حالات روحی و ماهیت اقداماتی انقلابیون بعد از پیروزی سایه انداخته است. مارکسیست‌ها و به تبع آن بلشویک‌ها دارای یک جهان‌بینی جهانی با باور عبور از یک سیستم و رسیدن به یک فرجام وعده داده شده می‌باشند، همچون گذرگاهی که از رهگذر دیکتاتوری پرولتاریایی استقرار یافته، امکان راهبری کل جامعه به سوی کمونیسم را فراهم می‌آورد. این نکته‌ای است بسیار مهم؛ رژیم خود را نه همچون سرانجام و هدف بلکه همچون وسیله تعریف می‌کند. تفرقه‌های حفظ شده یا تشدید یافته در جامعه در این انگاره کلی وارد می‌شوند و آن‌ها را مرحله‌ها و شرایط ضروری برای رسیدن به کمونیسم و یگانگی همه مردم می‌شمارند. یعنی درکل شر کنونی برای خیر آینده (بدیوگ، مارسل گشه، ۱۳۹۸). لنین با توجه به این تعریف و برداشتی که از چیدمان نیروهای انقلابی

در روسیه داشت با این تعریف موافق بود. مهم‌ترین ملاحظه لنین با این روند منظم و مشخص شده به نگاه لنین در مورد جامعه روسیه و استفاده از ظرفیت‌های موجود برای ایجاد انقلاب برمی‌گشت (ستانفوردکوهن، ۱۳۸۰). امید برای رخ‌دادن اتفاقی در مسیر سوسیالیسم در روسیه به عنوان "باری که باید بر دوش کشید" یا "این گام اساسی است" و با تعبیراتی چون "اما فقط گام نخستین است" بروز می‌کرد. تعبیرات و مفاهیمی که سرشت انقلاب روسیه را به عنوان مرحله‌ای چاره‌ناپذیر از یک روند غیر قابل اجتناب تلقی می‌کرد. رهبران انقلاب این مسیر را در راه انجام دادن رسالت بزرگ تاریخی پرولتاریا، و پی‌ریزی یک نظام اجتماعی که در آن استثمار انسان از انسان محلی نداشته باشد می‌یافتند (کار، ۱۳۷۱). لنین موافق بود که انقلاب باید مرحله به مرحله تحقق یابد و پیش از وقوع یک انقلاب سوسیالیستی حتماً باید انقلاب دموکراتیک صورت گیرد (ستانفوردکوهن، ۱۳۸۰) در نظر لنین پیروزی قطعی انقلاب بر تزارسم عبارت از دیکتاتوری انقلابی و دموکراتیک پرولتاریا و دهقانان است. او متوجه بود که این انقلاب یک انقلاب سوسیالیستی نخواهد بود، بلکه صرفاً نسبت به انقلاب بورژوا دموکراتیک که پرولتاریا در آن مشارکتی نداشته باشد به وجه بهتری انقلاب سوسیالیستی نهایی را تسهیل خواهد کرد (ستانفوردکوهن، ۱۳۸۰). به نظر می‌رسد تروتسکی در روند پیروزی انقلاب با حمایتی آتشین از انقلاب دائمی طی بیش از یک دهه نقش مهمی در تثبیت این انگاره در بین انقلابیون داشته است. انقلاب اکتبر به عنوان یک سرآغاز و البته بی‌وقفه برای انقلاب جهانی سوسیالیستی به شمار می‌رود. این حالت از نظر تروتسکی که مابین انقلاب اکتبر تا انقلاب جهانی سوسیالیستی قرار دارد فقط با روند انقلاب‌های مداوم و دائمی قابل تفسیر و تکمیل می‌باشد (تروتسکی، ۱۳۶۰). براین اساس کنش انقلابی در نزد رهبران انقلابی عبارت است از: ترویج آموزش‌های سوسیالیسم علمی، اشاعه مفهوم صحیح درباره رژیم اجتماعی و اقتصادی معاصر و مبانی و تکامل این رژیم و درباره طبقات مختلف جامعه روسیه. تروتسکی معتقد بود که دوران کنونی، دوران انقلاب دائمی است، دورانی که با پیروزی انقلاب سوسیالیستی در روسیه آغاز خود را اعلام داشت و تا سرنگونی کامل نظام امپریالیستی و استقرار سوسیالیسم در مقیاس جهانی ادامه خواهد داشت. تدوین ابزار تئوریک ضروری برای فهم این دوران و دخالت آگاه در آن نیز متعلق به رهبران طبقه کارگر است (لووی، ۱۳۸۲). مارکس این تداوم انقلابی پیگیر و مستمر را خالی از

هرگونه سازش‌کاری و بدون توقف در هرکدام از مراحل گذار به عنوان روندی که ریشه در مرحله گذشته خود دارد پیش‌بینی کرده بود.

بنابراین در بین انقلابیون اکتبر، اهمیت دنیایی انقلاب اکتبر نه تنها در آن است که این انقلاب نخستین گام بزرگی است که یک کشور برای ایجاد شکاف در سیستم امپریالیسم بر می‌دارد و اولین کانون سوسیالیسم در اقیانوس کشورهای امپریالیستی می‌باشد بلکه این انقلاب اولین مرحله انقلابی جهانی و پایگاه توانایی بسط آتی این انقلاب را تشکیل می‌دهد (استالین، [بی تا]). استالین این مرحله گذار را با تصریح بیشتری و (البته) با یک نگاه ملی توأم می‌کند و تأکید می‌کند که "ما در نیمه راه متوقف نخواهیم شد" با پیروزی انقلاب و کسب قدرت توسط طبقه کارگر، انقلاب به پایان نمی‌رسد بلکه فقط آن را آغاز می‌کند. این امر به این نتیجه در رهبران انقلاب اکتبر می‌رساند که این مبارزه در دو مقیاس ملی و جهانی در گستره‌ای وسیع ادامه پیدا می‌کند. روندی با بی‌شمار جنگ‌های انقلابی که مهم‌ترین برداشتهای مربوط به انقلاب‌های دائمی در آن نهفته است. مسیری اجتناب‌ناپذیر، که با انفجار انقلاب‌های جهانی لازمه رسیدن به نقطه آمل می‌باشد. این روند با بایدها و الزاماتی در روند صدور انقلاب براساس تعالیم مارکسیسم پیوند خورده است. بنابراین، انقلاب جهانی یک از پیامدهای اجتناب‌ناپذیر و اصلی پذیرفته شده در ساختار انقلاب اکتبر به شمار می‌رود. با پیروزی انقلاب اکتبر جهان شاهد دعوت جهانی کمونیست‌ها برای مبارزه علیه امپریالیسم جهانی شاهد بود چنان که انقلاب مذکور به نبردی ایدئولوژیک، میان کمونیسم، با فاشیسم و کاپیتالیسم انجامید.

۲. انگاره هویتی انقلاب اسلامی

۲.۱. غایت‌پنداری در راستای تشکیل حکومت جهانی

رضوان السید بر این باور است که در اوضاع بین دو جنگ و دوره جنگ جهانی دوم ایده "بیداری" با بازگشت به اسلام، به عنوان معیار و حافظ هویت و شایسته برای همه زمان‌ها و مکان‌ها و نیز به عنوان ایدئولوژی مسلمانان در برابر همه ایدئولوژی‌های دیگر تبلور یافت (السید، ۱۳۸۳). انقلاب ایران که در بستری دینی قابل بررسی است، اسلام را الگوی خود معرفی می‌کند و در چارچوب آن، به انسان و جهان پیرامون آن می‌نگرد. لذا اساس ایده‌های آن را می‌توان در یک بستر مذهبی به نام اسلام‌شیعی واکاوی کرد. هویتی که مهم‌ترین مبانی معنایی قوام‌دهنده به

آن با ویژگی مذهبی_ اسلامی و با تاکید بر مولفه‌های شیعی قابل رویت است. مذهبی که در طول تاریخ همواره حافظ هویت ملی، استقلال و حامی بسیج مردمی تلقی می‌شده است. میشل فوکو^۱ درباره نقش عنصر دین در انقلاب ایران بر این باور است که اعتقاد به اسلام و شیعه در ایرانیان باعث شده که آن‌ها شوربختی‌های جهان را نپذیرند (فوکو، ۱۳۷۳).

از طرف دیگر، انقلاب ۱۳۵۷ ایران را بیش از هر امر دیگری با صفت اسلامی و رهبری روحانیت شیعه می‌شناسند. فرانسوا توال^۲ با توجه به نقش محوری که اندیشه‌های شیعی امام خمینی در انقلاب اسلامی داشته است بر این نکته تاکید فراوانی می‌کند که "پیروزی انقلاب خمینی در ایران یکی از پراهمیت‌ترین وقایع و انقلاب‌های نیمه دوم قرن بیستم بوده و در حقیقت مهمترین واقعه در طول تاریخ شیعه می‌باشد (توال، ۱۳۷۶). تاثیر اسلام در هویت جمهوری اسلامی و شکل‌دهی به سیاست خارجی آن تنها محدود به عناصر و مولفه‌های فقهی نیست. (متقی، حجت‌کاشمی، ۱۳۸۶). به نظر می‌رسد فرهنگ و به ویژه دین به عنوان یکی از عناصر آن بر تمامی حوزه‌های سیاسی و اجتماعی ایران پس از انقلاب تاثیر گذاشته است. در رویکرد امام خمینی پیروزی انقلاب اسلامی از نظر انقلابیون یکی از اهداف کوتاه مدت عمل به تکالیف اسلامی می‌باشد و پیروزی نهایی با توجه به اهداف جهانی و دارا بودن چشم‌اندازهای جهانی و با حفظ ماهیت اسلامی و راه پیمودن در مسیر تکلیف الهی انجام می‌پذیرد. بر همین اساس از همان ابتدا اشاره می‌کند "شما ملت ایران انقلابی کردید که در دنیا بی نظیر است، انقلاب گروهی که متعهد به اسلام بودند. ما در بین راه هستیم و باید راه طولانی را طی نماییم و راه طولانی این است که بیرق اسلام را در همه قطب‌های زمین به اهتزاز درآوریم. من امیدوارم که موفق شویم و با همت و اتکال به خدای تبارک و تعالی این راه طولانی را طی نماییم. ما باید اسلام را به پیش ببریم و در همه جای دنیا انشاءالله اسلام را صادر کنیم. (خمینی، ۱۳۸۷).

امام خمینی با اعتقاد به این امر که انقلاب اسلامی ایران و تلاش برای بیداری ملت‌های مسلمان و ایجاد تحول و بیداری در مسیر اهداف اسلامی مهم‌ترین اقدام برای آماده‌سازی برای انقلاب جهانی می‌باشد. در این رابطه می‌فرماید "ما امروز دورنمای صدور انقلاب اسلامی را در جهان مستضعفان و مظلومین بیش از پیش می‌بینیم و جنبشی که از طرف مستضعفان و

1- Michel Foucault

2- Francois Thual

مظلومین جهان علیه مستکبرین و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است، امید بخش آتیه روشن است و عده خداوند تعالی نزدیک و نزدیک‌تر می‌نماید، گویی جهان مهیا می‌شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه و کعبه آمال محرومان و حکومت مستضعفان" (خمینی، ۱۳۸۷) امام خمینی با این چشم‌انداز به آینده انقلاب اسلامی ایران را نقطه شروع برای انقلاب بزرگ در جهان اسلام می‌داند و امیدوار است "که این انقلاب جرعه و بارقه الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیه‌الله منتهی شود (خمینی، ۱۳۸۷)

این چشم‌انداز با توجه به تکلیفی الهی و تلاشی جهانی برای برپایی و ایجاد بیداری و انقلاب در بین ملت‌های مظلوم و ستم‌دیده با نگاه به وعده الهی در برپایی شرایط لازم برای ظهور امام زمان (عج) می‌باشد. محوریت اسلام در کنش‌های انقلابیون به قدری ملموس است که اسپوزیتو را به این باور می‌رساند که جمهوری اسلامی هم می‌خواهد با صدور انقلاب، اسلام را در جهان تضمین کند (اسپوزیتو، ۱۳۸۳). صدور انقلاب به توجه به این خط‌مشی، رویکردی تکلیف‌محور که به عنوان مبارزه‌ای اعتقادی تشریح می‌شود که هیچ محدودیت مرزی، جغرافیایی و سایر مفاهیم محدودکننده مادی را ندارد. این برداشت از روند انقلاب مسئولیتی فراتر از مرزهای جغرافیایی برای رهبر انقلاب و امت‌های مورد خطاب این انقلاب‌ها تعیین می‌کند. ولایت و حیطه مسئولیت آن قابل به تقسیم مرزهای جغرافیایی نیست. مسوولیت رهبری امت اسلام مرز نمی‌شناسد. به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی، این انقلاب می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد. رهبران انقلاب با ایجاد یک فضای دوگانه حق و باطل و نمادسازی آن در روابط بین‌الملل این مسیر وعده داده شده را به منازعات اندیشه‌ای بسط داده‌اند. این درک و تفسیر از نظم بین‌المللی مستقر و تلقی آن به مثابه نظامی "جاهلی" و "غیر الهی" و "غیر عادلانه" بود که وظیفه نظام اسلامی مبارزه و نفی آن به شیوه‌های گوناگون تلاش در جهت پی افکندن نظم نوین است (متقی، حجت‌کاسمی، ۱۳۸۶). جبهه مظلومین در مقابل ظالمان و مستضعفین در مقابل مستکبرین از پیروزی نهایی جبهه حق علیه باطل در ساختار

سیاست خارجی و در راهبرد صدور انقلاب رهبران انقلاب تجلی می‌یابد. بر همین اساس ایجاد حکومت جهانی اسلامی بر مبنای برابری و برادری هدف مشخص شده رهبران انقلابی تعیین می‌گردد (خمینی، ۱۳۸۷). رهبر انقلاب با شوقی ناشی از تحقق وعده الهی اشاره می‌کنند که هان ای مسلمانان جهان و مستضعفان تحت سلطه ستمگران به پا خیزید و دست اتحاد به هم دهید و از اسلام و مقدرات خود دفاع کنید و از هیاهوی قدرتمندان نهراسید که این قرن، به خواست خداوند قادر، غلبه مستضعفان بر مستکبران و حق بر باطل است (خمینی، ۱۳۸۷). بنابراین جمهوری اسلامی تلاش می‌نمود تا بدون توجه به نظام حاکم در روابط بین‌الملل، هنجارهای موجود در سیاست بین‌الملل را برهم زده و نظم مورد نظر خود را جایگزین آن نماید. با این تفاوت که در این راستا سیاست خارجی جدید ایران مخاطب خود را ملت‌ها قرار داده بود با این امید که از طریق ارتباط با ملت‌ها قادر خواهد بود به اهداف انقلاب اسلامی دست یابد. با توجه به این چشم‌انداز در دو انقلاب و ماهیت و ایدئولوژی موجود در دو انقلاب بررسی شده، دو انقلاب به هویتی متمایز در وضعیت کنونی و در محیط پیرامونی خود شناخته می‌شوند. در این بخش به پیامدهای این برداشت در راهبرد صدور انقلاب خواهیم پرداخت.

۳. یافته‌های پژوهش

۳.۱. انگاره ضرورت در صدور انقلاب روسیه

شرایط به پیروزی رسیدن انقلاب اکتبر و برداشت بلشویک‌ها از انقلاب و کارویژه‌های انقلاب اکتبر، صدور انقلاب را در ساختار انقلاب برای ادامه حیات حکومت شوروی، ضروری می‌ساخت. در باور انقلابیون، تکامل انقلاب روسیه با وقوع انقلاب در اروپا و سراسر جهان شکل‌بندی شده است. بر همین اساس صدور انقلاب یگانه راه برای دفاع از موجودیت انقلاب اکتبر معرفی گردید. بر همین اساس در اولین سال موجودیت حکومت انقلابی در روسیه، هدف اصلی و سیاست رهبران، پیشبرد انقلاب در غرب بود و به دنبال آن ایجاد یک جمهوری سوسیالیستی بین‌المللی. کمیت‌ترین با این چشم‌انداز و برای دستیابی به این هدف در همان اوایل انقلاب اکتبر ایجاد شد (В. питаницки, ۲۰۰۴)

در سال ۱۹۱۸ یعنی یک سال بعد از پیروزی انقلاب اکتبر، لنین گفت که تبدیل انقلاب در روسیه به انقلاب سوسیالیستی نه ماجراجویی بلکه یک ضرورت است (کلودین، ۱۳۸۱) به نظر لنین سوسیالیسم ممکن است در یک کشور پیدا شود و به عنوان الگوی انقلاب سوسیالیستی عمل کند لیکن نمی‌تواند در مرزهای ملی خود به حیات خود ادامه دهد (بشیریه، ۱۳۸۶) او عملاً مثل هر رهبر بلشویک دیگری تصور می‌کرد که حکومت‌های سوسیالیستی برادر، ضرورتاً باید در گوشه و کنار اروپا برقرار شوند تا روسیه شوروی بتواند سوسیالیسم خود را به بلوغ و کمال برساند چیزی به جز این هیچ آینده‌ای برای یک روسیه منزوی وجود نداشت. لنین به این نکته ضروری تاکید می‌کند که "این نکته حقیقت مطلق است که بدون انقلاب در آلمان ما نابود خواهیم شد. تحت هر عاقبت ممکن یا قابل تصویری، اگر انقلاب آلمان درنگیرد، ما نابود خواهیم شد. در اینجا با یکی از بزرگترین مسایل تاریخی مواجهیم، و آن ضرورت به راه انداختن یک انقلاب جهانی، برای نجات انقلاب اکتبر می‌باشد (تروتسکی، ۱۳۶۰).

لنین و سایر رهبران انقلاب اکتبر اهمیتی نمی‌دادند که هدف مذکور یعنی در آوردن اروپا به انقلاب چگونه باید محقق شود اما او مایل بود پول، اقلام تبلیغاتی و دستورالعمل‌های سیاسی خود را به منظور شتاب‌بخشی و تقویت فرایند انقلابی روانه کشورهای اروپایی نماید او در عین حال امیدوار بود که برای رسیدن به هدف فوق از وجود ارتش سرخ نیز استفاده کند (تروتسکی، ۱۳۶۰) بلشویک‌ها و بالاخص لنین اعتقاد داشت از "تمامی این شرایط و مطالب، لزوم توسل به مانور و سازشکاری و مصالحه با گروه‌های گوناگون و احزاب گوناگون کارگری و صاحب کاران خرده‌پا به عنوان ضرورتی مطلق برای موجودیت و بقای حزب کمونیست تلقی می‌گردد (لنین و.، ۱۳۹۶) لنین با رویکرد تاکتیک‌محور به تقابل با کمونیست‌های دو آتش‌ای می‌رود که از قبول صلح ورسای و پیامدهای آن به نفع انقلاب شوروی سرباز می‌زنند و می‌گویند "تاکتیکی که حتمی بودن قبول صلح ورسای و تبعیت از آن را طی مدتی برای آلمان شوروی (چنانچه به زودی جمهوری شوروی آلمان به وجود می‌آید) جایز نمی‌شمردند از بیخ و بن خطاست (لنین و.، ۱۳۹۶) به نظر می‌رسد لنین با توجه با ناگوار بودن شرایط صلح ورسای برای انقلاب شوروی تصمیم داشته است که تا زمان به سرانجام رسیدن موفقیت‌های بین‌المللی در راستای انقلاب جهانی به عقب بیاندازد و چنین فعالیت‌هایی را در کشورهایی مانند آلمان از سوی

کمونیسم‌ها را شایسته مرامی چون ناسیونالیسم خرده‌بورژوازی می‌داند نه یک مرام معتقد به انترناسیونالیسم جهانی. بلشویک‌های انقلابی معتقد بودند در " حال و روزی که پدید آمده است چه گام‌های عملی باید برداشته شود؟ نخست آنکه باید اتحاد جماهیر سوسیالیستی را نگاه داشت و آن را استوار ساخت. درباره این تدبیر هیچ تردیدی نمی‌تواند در میان باشد. این کار برای ما ضروری است همچنانکه برای پرولتاریای کمونیستی سراسرجهان در مبارزه با بورژوازی جهانی و برای دفاع در برابر تحریکات آن ضروری است. به نظر می‌رسد این نگاه دقیق به وضعیت انقلاب و ساختار دولتی در رویکرد لنین به عنوان رهبر انقلابی باعث شد تا انقلابیون با توجه به ضرورت‌های داخلی و خارجی و با شعارهایی چون " از بورژوازی بیاموز" و " تولید برای تولید" و حتی با الگوگرفتن نظام سرمایه‌داری شرایط را به شکلی رقم خورد که آرمان‌های انقلابی تنها در عرصه گفتمان رسمی و سیاست‌های ابلاغی نمود پیدا کند که با مرور زمان پایه‌های رژیم توتالیتار با ماهیت امپریالیستی از آن خود را نشان داد.

تروتسکی انقلابی خستگی‌ناپذیر با توجه به ساخت اجتماعی و سیاسی انقلاب اکبر تنها راه نجات انقلاب اکبر را ادامه انقلاب‌های مشابه در اروپا و تکمیل این چرخه انقلاب در نقاط مختلف جهان و ترجیحاً اروپا می‌داند. مهم‌ترین دلیل تروتسکی به خاصیت یک تضاد و تقابل اجتناب‌ناپذیر مابین انقلاب اکبر در روسیه و دنیای سرمایه‌داری برمی‌گردد. "سرنوشت نخستین دولت کارگری در جهان به طرزی تفکیک‌ناپذیر به سرنوشت جنبش‌های آزادی‌بخش شرق و غرب گره خورده است (تروتسکی، ۱۳۶۰) تروتسکی روسیه انقلابی را انتقالی‌ترین کشور موجود در عصر انتقالی می‌داند و انقلاب روسیه را فقط حلقه‌ای می‌داند در زنجیر انقلاب جهانی. او پیشرفت صنعتی روسیه بعد از انقلاب را منافی عدم توجه به انقلابات در کشورهای غربی نمی‌داند و معتقد است " سرمایه‌داری به مراتب به انقلاب پرولتری نزدیکتر شده است. همین امر مساله صدور برای موجودیت انقلاب را حتمی و اجتناب‌ناپذیر می‌داند (تروتسکی، ۱۳۶۰) تروتسکی ایجاد انقلاب در اروپا را به عنوان تکیه‌گاه ساختار انقلابی در روسیه می‌داند و بدون این " روند " سوسیالیسم نمی‌تواند در صحنه جهان تحقق یابد (تروتسکی، ۱۳۶۰)

استالین هم با توجه به مسوولیت خود در "کمیسرخلق در امور ملیت‌ها" به این ضرورت در انقلابی شدن هر چه زودتر ملت‌ها و دولت‌های اطراف حکومت انقلابی اذعان داشته و می‌گوید

انقلابی که در مرکز آغاز شده با قدری تاخیر به مرز بوم‌ها هم گسترش پیدا کرده و به ویژه مرز بوم‌های شرقی و سپس اضافه می‌کند که " اقدامات ویژه‌ای برای کشاندن توده‌های رنجبر و استثمارشده این مرز و بوم‌ها به روند تحول انقلابی ضرورت دارد (کار، ۱۳۷۱) پس از جریانات سیل آسای ۱۹۱۸ نخستین حرکات دولت‌شوروی به اقتضای مصلحت‌های جنگ داخلی و فرصت‌های آن صورت گرفت. ضرورت به همراهی کشیدن قسمت‌های شرقی که حتی خود رهبران انقلابی هم تصویری مبهم از ویژگی‌ها و تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی آن داشتند با یک روند عجولانه و ضرورت هرچه سریعتر گسترش امواج انقلاب به هر طریقی در آن مناطق را شامل می‌گشت.

۳،۲. راهبرد تکلیف‌گرایانه در صدور انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران با رهبری امام خمینی و با ماهیت اسلامی به مساله صدور انقلاب ماهیتی فراملی با هدف تبلیغ اسلام و ارزش‌های اسلامی در قالب یک جهان‌بینی تکلیف‌محور شکل داده است. انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌های اجتماعی دنیا هم در اهداف و هم در ماهیت انقلاب متفاوت و متمایز می‌باشد. اولویت‌بندی مفاهیم و مصادیق صدور انقلاب در ساختار انقلاب اسلامی با یک شاخصه تکلیف‌گرایانه که هدف از صدور انقلاب را بیداری ملت‌ها و شناساندن ارزش‌های اسلامی به ملت‌ها اعلام شد و این رویکرد تکلیف‌محور، خاصیتی فرامرزی و جهانی به صدور انقلاب اسلامی ایران می‌بخشید. امام خمینی صدور انقلاب اسلامی را ادامه راه پیامبران برای ارشاد و تبلیغ اسلام می‌داند و از طرفی این تبلیغ و اشاعه ارزش‌ها را محصور به یک منطقه نمی‌داند و راهبردی جهانی برای این مساله قائل است (خمینی، ۱۳۸۷) این نقطه اتکا برای ملت‌های ستم‌دیده با توجه به ماهیت اسلامی انقلاب ایران و با توجه به عوامل اعتقادی و آموزه‌های دینی در تعیین و قالب‌سازی رویکرد تکلیف‌گرایانه برای انقلاب اسلامی تاثیر بسیاری داشته است. بر همین اساس جایگاه صدور انقلاب در نزد امام خمینی، همان مسیر و تکلیف گسترش اسلام است. بنابراین مساله صدور انقلاب قاعده‌ای حتمی برای انقلاب اسلامی تنوریزه گردید. امام خمینی در مناسبت‌ها و بیانیه‌های مختلف تفکر مخالفان صدور انقلاب را نفی کردند و تلاش داشتند تفکراتی که مبتنی بر مخالفت و عدم توجه به صدور انقلاب است کنار گذاشته شود و با توجه به ماهیت دین اسلام و با تاکید بر اینکه انقلاب اسلامی ایران ادامه دهنده همان

اهداف و آرمان‌های اسلامی صدر اسلام است و محدود نبودن انقلاب اسلامی در داخل مرزهای یک کشور را همان رسالت اسلامی صدر اسلام می‌داند.

بررسی زمان و زمینه‌های رویکرد رهبران انقلاب و همچنین فراوانی متن‌هایی با این مضمون نشان می‌دهد که صدور انقلاب اسلامی را با رویکرد دفاع از انقلاب اسلامی در اولویت بعدی خود قرار داده است و رویکرد تکلیف‌محور بر این جنبه از راهبرد صدور انقلاب مرکزیت و محوریت قابل توجهی دارد. به نظر می‌رسد ترکیب این دو راهبرد اساسی با توازن کم و بیش سنگین‌تر راهبرد تکلیف‌گرایی در سیاست‌های کلان نظام انقلابی صورت‌بندی گردید. برداشت رهبران انقلاب از رویکرد تکلیف‌گرایانه در زمان جنگ تحمیلی بدین گونه مورد تاکید قرار می‌گیرد که: " ما انقلاب‌مان را به همه جهان صادر خواهیم کرد و نتیجه مبارزه و دفاع را بدون کوچکترین چشم‌داشتی به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها جز شکوفایی پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلامی بر املت‌های دربند نیست (خمینی، ۱۳۸۷). ردیابی و توجه به آخرین رهنمودهای امام خمینی در مورد مسأله صدور انقلاب با یک اولویت‌بندی با محوریت قرار دادن جهانی بودن آرمان انقلاب اسلامی، توجه به اهداف فرامرزی و نقطه شروع یک انقلاب بزرگ و شکل‌بندی نهایی صدور انقلاب با توجه به مخاطب قرار دادن تمامی قدرت‌های استکباری در آخرین اشارات و توصیه‌های رهبر انقلاب خود را نشان می‌دهد" البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌المللی اسلامی‌مان بارها اعلام کرده‌ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم. ما در صدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم به لطف عنایت خداوند بزرگ نظام‌هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند نابود کنیم (خمینی، ۱۳۸۷)

۳.۳. انگاره صدور برای انقلاب اکتبر

به نظر می‌رسد با توجه به برداشت‌های انقلابیون اکتبر از وضعیت داخلی و بیرونی، به این نتیجه رسیده‌اند که مبارزه با استعمار و نیروی جهانی امپریالیسم برای حفظ انقلاب اکتبر است. لنین در همین رابطه می‌گوید اگر ما فرصت را از دست بدهیم نیروهای امپریالیستی در سراسر جهان علیه ما متحد خواهند شد. روش سیاسی لنین این گونه ایجاب می‌کرد که نه در سیاست و نه در هیچ عرصه دیگری بی طرفی در کار نیست، لنین در هر زمان با مسأله‌ای روبرو می‌شد

تنها در بند این بود که آیا این مساله به نفع یا ضرر انقلاب و بعدها دولت شوروی است یا نه (کولاکوفسکی، ۱۳۸۶) انقلابیون شوروی، مدام بیان می‌کردند که انقلاب فقط در قالب سوسیالیستی جهانی پیروز خواهد شد و در غیر اینصورت در هم شکسته خواهد شد و به همین دلیل در بیانیه‌های مختلف بر لزوم و ضرورت همبستگی حکومت شوروی با حرکت‌های انقلابی سایر کشورها تاکید می‌کردند (طلوعی، ۱۳۷۹). یک ماه بعد از تشکیل کمیتن، انقلاب در اروپا پایگاه‌های بسیار مهمی را به دست آورده بود تحرکاتی در مجارستان و باواریا به نفع انقلابیون شوروی در حال رخ دادن بود لنین و رهبران انقلابی با ردیابی این تحرکات به سرعت بر آماده‌سازی مقدمات نظری و عملی برای انقلاب جهانی آماده می‌شدند ولی با شکست در لهستان و آلمان و شکست‌هایی که در انگلستان و فرانسه متحمل شدند رهیافت‌های جنگ طلبانه به مضامین صلح طلبانه مبدل گشتند. لنین با توجه به روند رویدادها از امکان طولانی بودن فرآیند انقلاب‌ها در دیگر کشورها سخن به میان می‌آورد و اینکه این امر چه موقع و طی چه مدتی پرولتاریای کدام کشور این امر مهم را به سرانجام برساند هنوز معلوم نیست. این چرخش به صورت محسوس‌تری در جنبش‌های ملت‌های شرق که رهبران انقلاب‌اکتبر مدعیان حمایت از آن‌ها بودند نیز قابل رویت بود. اما به زودی واقعیت‌های پیش رو از جمله جنگ جهانی اول و فرصت‌ها و چالش‌های روسیه در این جنگ، حوادث داخلی و اتفاقات بین دو جنگ جهانی ثابت کرد که تز سوسیالیسم در یک کشور راه کم در دست‌تری برای انقلابیون روسیه است. مورد توجه قرار گرفتن این راهبرد و تغییر در برخی رویکردهای مورد تاکید شده در زمینه انقلاب‌های جهانی بنا بر مقتضیات و نیازها برای حفظ انقلاب‌اکتبر صورت گرفت. مدت زمان بین تشکیل کنگره موسوم به کنگره بادکوبه و استفاده از تمامی ظرفیت‌های انسانی و نظامی در حمایت از آن‌ها که به انتشار نشریه‌ای به نام "خلق‌های شرقی با زبان‌های محلی هم گسترش پیدا کرد. با گسترش روابط بازرگانی بین حکومت شوروی و دولت‌های غربی همچون انگلستان و آمریکا و فرانسه که منافع مستقیمی در مناطق شرقی داشتند به فراموشی سپرده شد و رهبران انقلابی تصمیم گرفتند تا تمامی شعارهای انقلابی برای صدور انقلاب را با راه حل‌هایی تجاری و بازرگانی برای رفع مشکلات اقتصادی و سیاسی معاوضه نمایند (دویچر، ۱۳۸۳) (پرستیس، ۱۳۷۹)

توجه به شرق البته دلایل و انگیزه‌های متعددی داشته است که مهم‌ترین آن تصور انقلابیون شوروی از منابع قابل اتکا در شرق برای انجام و ادامه انقلاب برنامه انقلاب جهانی بود که در کشورهای تحت ستم آسیا که درگیر یک جنبش رهایی‌بخش ملی قدرتمند بودند قابل ردیابی و استفاده بود. از دیگر سو دست یافتن به آبراه‌های دریایی سیاه و سواحل خلیج فارس حتی اگر در وصیت‌نامه مشهور منسوب به پطر جایی نداشته باشد. یک ویژگی پایدار دولت‌های روسی از قدیم تا زمان حاضر بوده است. حکومت بلشویکی نیز ناچار بود اهداف ثابت استراتژیک را همانگونه که دستگاه تصمیم‌گیری تزاری تعقیب می‌کرد تعقیب نماید. دلیل این امر شباهت بی‌گفتگوی در شکل بیرونی رفتارهای سیاسی است. ذات استیلاطلب بلشویک‌ها از ویژگی‌های طبیعی این کشور ناشی می‌شود. و از آنجا که گسترش ارضی هرچه بیشتر لازمه تداوم حکومت شوروی بود پس صدور انقلاب و در کنار آن توجه و همراهی تاکتیکی به نهضت‌های رهایی‌بخش تا زمانی که منافع حاکمیت روس را تامین نماید، در گستره این الزام قابل بررسی می‌باشد. در واقع کمونیسم روسی ژئوپولیتیک متفاوتی را ایجاد می‌کرد که منویات رهبران اتحاد شوروی را تامین می‌کرد. و این مسیر بیشتر در راستای بقای انقلاب مارکسیستی هدف‌گذاری شده بود تا راهبردی براساس کنش انقلابی.

۳،۴. انگاره انقلاب اسلامی برای صدور

در رویکرد امام خمینی انقلاب برای مبارزه با استکبار و استعمار می‌باشد. در انقلاب اسلامی ایران اگر چه ساختار برآمده از انقلاب یک ساختار انقلابی است و از الگوهای انقلابی هم پیروی می‌کند، اما به واسطه ماهیت و هویت اسلامی انقلاب، از سایر نظام‌های انقلابی متمایز می‌باشد (احتشامی، ۱۳۷۹) بر همین اساس و با توجه به ماهیت و هویت درونی متمایز انقلاب اسلامی، کنش انقلابی در اغلب مواقع با الگوهای مشابه انقلاب‌های دیگر در جهان متفاوت می‌باشند. ایدئولوژی و گفتمان حاکم بر انقلاب اسلامی به ایجاد یک فضا و جهان‌بینی متفاوت از سایر انقلاب‌ها انجامید. این ماهیت درونی که متأثر از اندیشه‌های فقهی و سیاسی امام خمینی بود در مواجهه با مساله صدور انقلاب و کاربرد آن در انقلاب اسلامی دارای چشم‌اندازهای متفاوتی شده است. این چشم‌انداز متفاوت را امام خمینی در تبیین رفتارهای انقلابی این گونه بیان می‌کند: ما معادله جهانی و معیارهای اجتماعی_سیاسی‌ای که تاکنون و به واسطه آن تمام مسایل جهان

سنجیده می‌شده است را شکسته‌ایم ما خود چهارچوب جدیدی ساخته‌ایم که در آن عدل را ملاک دفاع و ظلم را ملاک حمله گرفته‌ایم. بنابراین از هر عادل‌ی دفاع می‌کنیم و بر هر ظالمی می‌تازیم (خمینی، ۱۳۸۷) جهان‌بینی خاص امام‌خمینی با محوریت دین و نگاه ایدئولوژیک بر مساله صدورانقلاب باعث به وجود آمدن یک تقابل دایمی و تلاش برای پیروزی نیروهای حق در مقابل باطل و نیروهای خیر و شر از وجود انسان تا در نظام اجتماع و در کل جهان دارای معنا و دارای هدف مقدسی هستند.

۳.۵. تقدم عمل بر آگاهی

با انتخاب بلشویک‌ها از شق دوم نظریات مارکس در مورد انقلاب‌ها یعنی به جای انقلاب فی‌البداهه که سرمایه‌داری به صورت تدریجی خود با آن روبرو خواهد شد تلاش شد تا به تدارک انقلاب بپردازند. رویکردی که به کامل‌ترین وجه در نزد لنین و جانشینان نمود پیدا می‌کرد. بلشویسم با تکیه بر اراده‌گرایی با دست زدن به انقلاب، دولت شورایی دهقانان و کارگران را ایجاد کرد و سپس فرهنگ و تمدن لازم را که ضروری و اساس نظام سوسیالیستی بود ایجاد کرد. بر همین اساس بسترهای لازم را برای اقدامات انقلابی تدارک می‌دیدند. در قاموس انقلابیون روسیه، هنرمندی یک سیاست‌مدار در همین بود که وی بتواند شرایط و لحظه‌ای را که در آن پیشاهنگ پرولتاریا می‌تواند به صورت موفقیت‌آمیز قدرت حاکمه را تصرف نماید و ضمن این عمل و پس از آن می‌تواند به حد کافی از پشتیبانی قشرهای به حد کافی وسیع طبقه کارگر و توده‌ها زحمتکش پرولتاریا برخوردار گردد. محوریت اراده‌گرایی و تقدم عمل بر آگاهی بر این پایه استوار بود که با دست زدن به قیام و پیروزی قیام، مسیر برای ساختمان سوسیالیسم هموار خواهد شد.

محوری‌ترین موضوع در این رویکرد تقدس و تقدم عمل انقلابی است. این برداشت و زمینه‌سازی برای آن با ایجاد حزبی منضبط از انقلابیون حرفه‌ای می‌بایست به صورت مکانیکی عمل انقلابی را بین کارگران پیش برد. تبعیت و اعتقاد به اقدام به آن متضمن تمامی پیامدهایی است که در عرصه داخلی و خارجی ماهیت و سرشت انقلاب روسیه شوروی و نوع نگاه به نحوه صدور انقلاب را در برمی‌گیرد. براساس مانیفیست کمونیست و با توجه به تحولی بنیادی که مردان انقلابی روسیه شوروی در نظریات مارکس بوجود آوردند موجب تقدس یافتن عمل و اقدام انقلابی در ذات انقلابات مارکسیستی گردید. با این وجود در مانیفیست کمونیست هم تمامی پیروان مارکسیسم بر

این موضوع به یک جامعیت مطلق رسیده‌اند که "آشکارا اعلام می‌کنند که فقط با سرنگونی قهرآمیز تمام نظام‌های موجود اجتماعی به اهدافشان دست خواهند یافت باشد (پانیچ گلیزکالین, ۱۳۹۹). با این چشم‌انداز لنین هشدار می‌دهد که نمی‌توان به تصدیق خشک و خالی یا اعلام لزوم نزدیکی زحمت‌کشان ملل گوناگون اکتفا ورزید بلکه باید با یک سیاست عملی همه جنبش‌های رهایی‌بخش ملی و مستعمراتی با روسیه شوروی را اجرا نمود و شکل‌های این اتحاد را مطابق با درجه تکامل جنبش کمونیستی در بین پرولتاریای هر کشور و یا جنبش رهایی‌بخش بورژوا دموکراتیک کارگران و دهقانان در کشورهای عقب‌مانده تعیین کرد. در نتیجه اتحادهایی موقت و برحسب شرایط و مقتضیات توصیه و اجرایی می‌شود که نمود کاملی از توجیه شدن هر وسیله و توجیهی برای رسیدن به اهداف به شمار می‌رود. با توجه به چنین دیدگاهی نقش رهبری کننده باید به سازمانی مانند حزب داده می‌شد یعنی سازمانی از انقلابیون حرفه‌ای که نقش متخصص سازمان‌ده جمعی انقلاب را ایفا می‌کرد و با فعالیت خود آگاهی سوسیالیستی را به درون طبقه و صفوف متراکم پرولتاریا می‌برد. تثویزه کردن این امر در بین رهبران انقلابی بدین شکل نهایی می‌شود که "اصولاً مسایل کمونیسم را بدون زحمت نمی‌شود حل نمود و زحمت را هم باید روی حل مسایل عملی کشید که دارای تنوع روز افزون است و ارتباط روزافزونی با تمام رشته‌های زندگی اجتماعی دارد (لنین و. , ۱۳۸۴). مباحثات طولانی و جدل‌های رزا لوکزامبورگ و لنین در مورد سازماندهی و نقش حزب و میزان خودآگاهی طبقه پرولتاریا و نقش انقلابیون حرفه‌ای نشان از اهمیت و تقدم عمل بر آگاهی خود انگیزه در امر انقلاب و ایجاد انقلاب‌های مشابه می‌باشد. رزا لوکزامبورگ نقش محوری را که بلشویک‌ها برای مسایل سازمانی به مثابه ضامن روحیه انقلابی در جنبش کارگری قایل می‌شوند را گزافه‌آمیز می‌داند (لوکاج, ۱۳۷۷). بنابراین ویژگی لنین بود که با آفریده خودش یعنی حزبی انقلابی مانند حزب بلشویک‌ها می‌تواند این دگرگونی‌ها را در بعد سازماندهی به سرانجام برساند که بتواند با گذار از صلح برست لیتوفسک، دوره کمونیسم جنگی و وحشیانه‌ترین جنگ داخلی صف‌بندی‌های جدید را در میدان‌های تازه با ابعاد گسترده‌تر ایجاد نماید. از طرفی اتحاد شوروی، شوری دایمی برای همیشه آماده بودن و منتظر جنگ بودن را بوجود آورده بود. لنین در جایی با در نظر گرفتن این سازماندهی و ضرورت آن با سبک خاص خودش بر این امر تاکید می‌کند که "مسخره است که تصور کنیم سپاهی در نقطه‌ای

آرایش جنگی به خود گیرد و اعلام کند که ما هوادار سوسیالیسم هستیم و سپاه دیگری در جایی دیگر قد برافرازد که ما هم هوادار امپریالیسم هستیم و سپس انقلابهای اجتماعی رخ دهد (لوکاچ، ۱۳۷۷) نتیجه‌گیری لنین بر این روند تأکیدی است بر عملگرایی با محوریت حزب و استفاده از تاکتیک‌های موقتی و موضعی چنانکه در کتاب بیماری کودکی چپ روی بدین گونه بر این اقرار تأکید می‌کند که "ما نمی‌دانیم و نمی‌توانیم بدانیم که کدام جرعه از میان جرعه‌های بی‌پایانی که اکنون در همه کشورها در اثر بحران اقتصادی و سیاسی جهانی از همه جا فرو می‌بارد، قادر به برافروختن حریق یعنی بیداری خاص توده‌ها خواهد بود و لذا موظفیم با اصول نوین یعنی اصول کمونیستی خود دست به کار "عمل آوردن" کلیه عرصه‌ها، کهنه‌ترین و پوسیده‌ترین و ظاهراً یاس‌آورترین عرصه‌ها شویم. زیرا در غیر اینصورت وظیفه خود را به حد کمال انجام نخواهیم داد، جامعه اطراف نخواهیم بود، بر کلیه انواع سلاح‌ها مسلط نخواهیم شد و خود را نه بر پیروزی بر بورژوازی و نه بر نوسازی کمونیستی تمامی زندگی که پس از این پیروزی باید انجام دهیم، آماده نخواهیم ساخت. (لنین و.، ۱۳۸۴)

۳،۶. تقدم آگاهی بر عمل

تمایزی ماهوی در انقلاب اسلامی قابل شناسایی است که به باور جوادی آملی این وظیفه رهبران {انقلابی} است که "اقتضا دارد ندای هاتف غیبی را که برای گوش دل شناست، به سمع همه صاحب‌دلان برسانند و هیچ فرد یا گروهی را از این موهبت الهی محروم نکنند (جوادی آملی، ۱۳۷۸). با توجه به این که در رویکرد امام‌خمینی بینشی تکلیف‌گرایانه و حتمی به صدور انقلاب وجود دارد ولی این وجوب برای انجام با مبانی تفکر اسلامی همراه گشته است که موجب تمایز بین مسیر ترسیم شده برای صدور انقلاب با دیگر انقلاب‌ها شده است. با توجه به اینکه اصل اول صدور انقلاب اسلامی اصل دعوت می‌باشد و با توجه به ماهیت فرهنگی صدور انقلاب اسلامی محوریت اقدام براساس تبلیغ ارزش‌های اسلامی و دعوت، در مرحله اول ثنوریزه شده است. جهانی کردن پیام انقلاب اسلامی از ضروری‌ترین اقدامات در جهان‌بینی رهبران انقلاب اسلامی است روند باید مطابق با اصول اسلامی و سنت‌های ایرانی_ اسلامی می‌باشد. بر همین اساس تأکید می‌کنند که "هیچ حادثه‌ای در جهان امروز در هر نقطه‌ای که اتفاق می‌افتد، بدون تأثیر در نقاط دیگر نیست. لکن میزان اثرپذیری مردم در نقاط دیگر بستگی به آگاهی و

انتخاب خود آنان دارد" (خمینی، ۱۳۸۷) امام خمینی و دیگر رهبران انقلابی بر اساس بنیان‌های معرفت‌شناختی خود به دنبال اشاعه ارزش‌های اسلامی از طریق ایجاد شناخت و بیداری در بین ملت‌ها و دولت‌ها می‌باشند (خمینی، ۱۳۸۷) امام خمینی با توجه ویژه به انقلاب درونی و اولویت آن بر سایر اقدامات در تلاش است تا ابتدا موجی از آگاهی را در بین ملت‌ها ایجاد نماید (خمینی، ۱۳۸۷) بنابراین تبعیت از این رویکرد است که صدور انقلاب مبتنی بر روش‌های نرم و مسالمت‌آمیز به عنوان راهبرد اصلی رهبران انقلابی قرار می‌گیرد.

از طرفی چون صدور انقلاب در انقلاب اسلامی مبتنی بر یک جهان‌نگری و مخاطبان آن فطرت انسان‌ها می‌باشد و به طبقه و گروه خاصی تعلق ندارد. بنابراین توجه به روش‌های نرم و مسالمت‌آمیز در کانون توجهات رهبران انقلابی قرار می‌گیرد. اصل "تدرج" نیز در صدور انقلاب اسلامی مبین این رویکرد با ماهیت دینی در بین رهبران انقلاب می‌باشد. رویکردی که اولویت ابتدا با اقدام به دعوت و اصلاح و در مراحل بعد و در صورت لزوم اقدام عملی و انقلاب اجتماعی نمود پیدا می‌کند. تبعات به کارگیری و لزوم رعایت این تقدم و تاخر نه تنها محوریت یافتن نوع مسالمت‌آمیز صدور انقلاب است بلکه توجه به بنیان‌های فرهنگی نیز در مرکز نگرش و اقدام انقلابیون قرار می‌گیرد. در راهبرد انقلاب اسلامی، دعوت به اصلاح و انقلاب زبرین در هیات‌های حاکمه در کانون توجهات رهبران انقلاب اسلامی قرار دارد و سپس در مراحل بعدی به اقدامات عملی همسو با صدور انقلاب مورد توجه قرار گرفته است. محوریت و توجه ویژه به این مفاهیم به ویژه اصولی مانند "اصل دعوت" و توجه به توده مردم و مفاهیم چون "مستضعفین جهان" نشان می‌دهد در مساله صدور انقلاب روندی تدریجی و تاکید بر مولفه‌های نرم و بنیان‌های معنوی بر دیگر روش‌های مادی، سخت‌افزاری و راه‌حل‌های نظامی اولویت و ترجیح داده شده است.

نتیجه‌گیری

دو انقلاب اکتبر روسیه و انقلاب اسلامی هویتی جدید برای جوامع انسانی در ابعاد بین‌المللی به ارمغان آوردند. با توجه به این مساله که صدور انقلاب یکی از پیامدهای هر انقلاب بزرگ در تاریخ معاصر می‌باشد دو انقلاب به اشکال مختلف برای حفظ و گسترش آرمان‌های انقلابی، اقدام به صدور ارزش‌ها و آرمان‌های انقلابی خویش نمودند. تحولات هویتی در شکل‌بندی نهایی

و کیفیت صدورانقلاب نقش بسزایی داشته است. در انقلاب روسیه از جمله دلایل اصلی مطرح شده برای صدورانقلاب، دفاع از اصل و ماهیت انقلاب روسیه است. در راهبرد رهبران انقلاب اکبر و با توجه به ماهیت و هویت متمایز تاثیرگزا ساختار انقلابی، صدورانقلاب در رویکردی ضرورت محور و بر مبنای محوریت اراده انقلابی و توسل به هر وسیله برای رسیدن به هدف انجام گردید. در انقلاب اسلامی صدور انقلاب جزو اولین اولویت‌های یک ساختار انقلابی و صدور آرمان‌های انقلاب اسلامی با توجه به ماهیت و چشم‌انداز متمایز رهبران انقلابی در رویکردی تکلیف محور و با اولویت راهبرد صدورانقلاب و توجه ویژه به آگاهی توده‌ملتها به جای عمل انقلابی صورتبندی گردید.

فهرست منابع

- احتشامی، ا. (۱۳۷۹). سیاست‌خارجی ایران در دوران سازندگی. (ا. متقی، مترجم) تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- اسپوزیتو، ج. (۱۳۸۳). انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن. (م. م. شانه‌چی، مترجم) تهران: انتشارات باز استالین، ی. [بی تا]. مسائل لنینیسم. [بی جا]: نشر ادبیات کارگری
- السید، ر. (۱۳۸۳). اسلام سیاسی معاصر در کشاکش هویت و تجدد. (م. مرادی، مترجم) تهران: انتشارات باز
- ایزدی، م. (۱۳۶۱). مسائل جهانی انقلاب اسلامی در بیانات آیت‌الله منتظری. تهران: ستاد بزرگداشت مراسم دهه فجر
- بتلهایم، ش. (۱۳۵۸). مبارزه طبقاتی در اتحادشوروی شارل بتلهایم. (خ. م. دوست، مترجم) تهران: انتشارات پژواک
- بدیو، مارسل گشه، آ. (۱۳۹۸). چه باید کرد: گفتگو درباره کمونیسم، سرمایه‌داری و آینده دموکراسی. (ع. احمدی، مترجم) تهران: هزاره سوم
- بشیریه، ح. (۱۳۸۶). تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم. تهران: نشر نی
- پانیچ، لیز کالین، ل. (۱۳۹۹). مانیفیست بعد از ۱۵۰ سال. (ح. مرتضوی، مترجم) تهران: نشر آگه پرستیس، آ. (۱۳۷۹). بلشویک‌ها نهضت جنگل. (ح. احمدی، مترجم) تهران: انتشارات شیرازه
- تروتسکی، ل. (۱۳۶۰). تاریخ انقلاب روسیه. (س. باستانی، مترجم) تهران: انتشارات فانوس
- توال، ف. (۱۳۷۶). ژئوپولیتیک شیعه. (ک. باصر، مترجم) تهران: انتشارات خاوران
- جوادی‌آملی، ع. (۱۳۷۸). آوای توحید (شرح نامه امام خمینی (س) به گورباچف). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)
- خمینی، ر. (۱۳۸۷). صحیفه امام. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)
- دانش‌نیا، ف. (۱۳۸۴). ارزیابی نظریه سازه‌نگاری در روابط بین‌الملل: بررسی موردی سیاست خارجی ج.ا.ا.
- دویچر، ا. (۱۳۸۳). پیامبر مسلح. (م. وزیری، مترجم) تهران: انتشارات خوارزمی
- رسولی‌ثانی‌آبادی، ا. (۱۳۹۱). بررسی هویت نظام جمهوری اسلامی از منظر سازه‌نگاری. علوم سیاسی
- رسولی‌ثانی‌آبادی، ا. (۱۳۸۸). سازه‌نگاری و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال اسرائیل، سیاست، ۱، ۹

ستانفورد کوهن، آ. (۱۳۸۰). تئوری‌های انقلاب. (ع. طیب، مترجم) تهران: نشر قومس
 طلوعی، م. (۱۳۷۹). از لنین تا گورباچف. تهران: نشر علم
 فوکو، م. (۱۳۷۳). ایرانی‌ها چه رویایی در سر دارند. (ح. ه. معصومی، مترجم) تهران: انتشارات هرمس
 کار، ا. (۱۳۷۱). تاریخ روسیه شوروی (جلد ۱). (ن. دریابندری، مترجم) تهران: نشر زنده‌رود
 کلودین، ف. (۱۳۸۱). از کمیترون تا کمینفرم. (ر. میربغدادی، مترجم) تهران: انتشارات خوارزمی
 کولاکوفسکی، ل. (۱۳۸۶). جریان‌های اصلی در مارکسیسم (جلد ۲). (ع. میلانی، مترجم) تهران: نشر
 آگاه

گریفتیس، م. (۱۳۸۸). پنجاه متفکر بزرگ روابط بین‌الملل. (ع. طیب، مترجم) تهران: نشر نی
 لاریجانی، م. (۱۳۶۹). مقولاتی در استراتژی ملی. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی
 لنین، و. (۱۳۸۴). مجموعه آثار. (م. پورهرمان، مترجم) تهران: انتشارات فردوس
 لنین، و. (۱۳۹۶). مبارزه با بیماری چپ‌روی. [بی‌جا]: انتشارات کارگری
 لوکاج، ج. (۱۳۷۷). تاریخ و آگاهی طبقاتی. (م. پوینده، مترجم) تهران: انتشارات تجربه
 لویی، م. (۱۳۸۲). طرح‌های مارکس و انگلس از انقلاب. (ن. سعیدی، مترجم) تهران: انتشارات بیدار
 متقی، حجت‌کاظمی، ا. (۱۳۸۶). سازه‌انگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.
 سیاست (۴)

مشیرزاده، ح. (۱۳۸۶). هویت و حوزه‌های مفهومی روابط بین‌الملل. فصلنامه سیاست
 میرحسینی، احسان‌خادمی بهابادی، م. (۱۴۰۱). نقش صدور انقلاب اسلامی ایران در معادلات راهبردی
 خاورمیانه در پرتو نظریه سازه‌انگاری. مطالعات فرهنگ دیپلماسی
 ونت، ا. (۱۳۸۴). نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل. (ح. مشیرزاده، مترجم) تهران: دفتر مطالعات سیاسی
 و بین‌المللی.

Hongton, P. (2007). Reinvigorating the Study of Foreign Policy Decision Making. *Foreign policy Analysis*, 31.

Porcel, G. (2001). *the Place of History in the Making of the Foreign Policy*. (V. Kubalovka, Ed.) Armok , M,E shar: International Reletion in a Constructed World.

Wendt, A. (1998). on Constitution and Causation in International Relatios. *International Studies*(24), 385.

балаев ,П)(2017) Трoцкий прoтвии болщевзм ۵۰ делетант .

В.и.питаницк(2004) .*Коминтерн на всаих истории* Минск